

## بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی

فی الحقیقه امروز ذکر و ثنا اهل وفا را لایق و سزا که ضوضاء غافلین و نعاق ناعقین و شبهات مشرکین و اشارات معرضین ایشان را از نور مبین منع نمود مع آنکه اشراقات انوار آفتاب ظهور عالم را احاطه نموده و آیاتش مدن و دیار را مزین فرموده بر هر علمای علم ظهور مرتفع و از هر جهتی ندای مکلم طور ظاهر مجدد بعضی از غافلین بقدم اول راجع سبحان الله اصبع قدرت حجبات را خرق فرمود و سبحات را از هم درید مع ذلك ناعقین مجدد بر آند ناس بیچاره را بحجبات اغلظ از حجبات قبل و سبحات اعظم از سبحات قوم مبتلا نمایند عبده اوهامند و خود را از اهل توحید میشمزند عاکف اصنامند و خود را از اهل عرفان میدانند انسان متحیر چه که کل بچشم خود مشاهده نموده‌اند و بگوش خود اصغا کرده‌اند که آنچه را حزب شیعه از قبل بان ناطق و مشغول وهم صرف بوده و ظن بحت در قرون و اعصار بر منابر بسب و لعن یکدیگر ناطق بشانیکه عروق اعناق بمنابۀ سنان ظاهر و چون فجر اراده مالک احدیه دمید و آفتاب حقیقت اشراق فرمود کل از عالم و جاهل در سنه اولی بر مولی الوری قیام نمودند بشانیکه اهل جنت علیا نوحه نمود بالاخره آن گروه بی انصاف فتوی دادند و بر سفک دم مطهرش قیام نمودند تا آنکه واقع شد آنچه که عین حقیقت گریست این نبود مگر ثمرات اعمال نالایقه و افعال کذبہ حال باید حزب بیان یعنی نفوسیکه اعراض نموده‌اند بانصاف و عدل در عاقبت حزیکه خود را اعلی الامم میدانستند تفکر نمایند که آن نفوس چه ثمر اخذ نمودند که مجدد این نفوس بر قدم آن نفوس سالک اعاذنا الله و ایاکم من شر هؤلآء فی الحقیقه آن نفوس غافلند چه که از اصل امر مطلع نبوده‌اند و از نفوسیکه آگاه بوده‌اند سؤال نمینمایند ینبغی ان اذکر ما انزلہ الرحمن فی الفرقان قوله تعالی ذرهم فی خوضهم یلعبون و الصلوة و السلام و التکبیر و الثناء علی الذین شربوا ریحق الاستقامة علی شأن نبذوا العالم عن ورائهم قائمین علی امر الله رب العالمین و الحمد له اذ هو مقصود العارفين و محبوب المخلصین

سبحانک یا من باسمک ظهرت الاسرار و جرت الانهار و نصبت رایات التوحید و ارتفعت اعلام التجرید اسئلک بالکلمة الّتی بها خلقت الکائنات و ذرئت الموجودات بان تعرف عبادک ما ینفعهم فیکلّ عالم من عوالمک و علمهم ما غفلوا عنک فی ایامک اشهد یا الهی بانک اوضحت السبیل و ابرزت الدلیل و انزلت الآیات و اظهرت البینات طوبی لنفس وجدت عرف آیاتک و اقبلت الیک و سرعت الی افقک الاعلی المقام الذی لا یدکر فیہ الا نفسک یا مولی الوری و مالک الآخرة و الاولی ای رب اسئلک بامواج بحر رحمتک و اشراقات انوار شمس فضلک بان تؤید عبادک الغفلاء علی الرجوع الی ساحة عزک و الورد فی بساط عظمتک ای رب لا تخییهم بجودک و کرمک و لا تمنعهم عن سماء عطائک ثم اسئلک یا الهی بان تؤید حزبک الذین ما نقضوا عهدک و میثاقک و قاموا علی ذکرک و ثنائک و خدمة امرک علی اظهار ما عندک و انزلته فی کتابک لعلّ بذلک ینتبهن الرّاقدون و یرجعون الیک و یتمسکون بحبل جودک و یتشبثون باذیال رداء عفوک انک انت التّواب الغفور الکریم

نامه آنجناب مدّتی قبل باین خادم فانی رسید گواهی بود آگاه و شاهدهی بود صادق بر توجّه و اقبال آنجناب بافق اعلی حبّدا عرف محبّت محبوب عالمیان از او متضوّع از حق جلّ جلاله این خادم فانی سائل و آمل که لا زال این عرف متضوّع باشد و این نسیم در مرور و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقام اعلی نموده تلقاء وجه بعد از اذن عرض شد و بشرف اصغا فائز گشت قوله جلّ جلاله

## بسمی المشرق من افق ملکوت البرهان

یا ایها المقبل الی الافق الاعلی عبد حاضر بکتابت حاضر لدی الوجه قرائت نمود هر کلمهئی از کلمات آن مدل و مشعر بود بر اقبال و توجّه از حق میطلبیم آنجناب را مؤید فرماید بشأنیکه ناس را از اوها م ناعقین محفوظ دارد لعمری مجدد بتعمیر مدن و دیار ظنون و اوها مشغولند منقطعاً عن العالم بر تربیت امم قیام نمائید از این کلمه تعجب منما لیس هذا علی الله بعزیز همّت را بزرگ نما و بخدمت مشغول باش امروز باب اعظم مفتوح و بحر ظهور مّواج و مکلم ناطق در پستی نفوس معرضین تفکر نمائید حق برایات آیات و جنود وحی و الهام از افق سماء مشیّت ظاهر و باهر و آشکار و معادل جمیع کتب سماوی بل ازید از قلم اعلی نازل مع ذلک باوهامات قبل مشغول و بکلمات مجمع امّ القری ناطق و ذاکر اگر این امر اعظم و نبأ عظیم را انکار نمایند بچه حبل متمسک و بچه ذیل متشبّث میشوند اینمظلوم در ایامیکه جمیع افتده و قلوب مضطرب و فرائض اهل بیان از سطوت امرا و وضوء علما مرتعد بر امر قیام نمود قیامیکه کل بر آن شاهد و گواهند و باعلی النّدا کل را بافق اعلی دعوت نمود مع ذلک از نفوس معرضه وارد شد آنچه که اهل مدائن معانی و بیان گریست سوف یرون جزاء ما عملوا ان ربک هو العلیم الخیر در هر حال از مطلع کرم و مخزن جود و مشرق رحمت الهی طلب نمائید عباد غافل را بر رجوع تأیید فرماید که شاید بر آنچه از ایشان فوت شده قیام نمایند ان ربک هو الغفور الرحیم افرح بذکری ایّاک و اقبالی الیک من شطر سجنی البعید انا انزلنا لک من قبل و فیهذا الحین ما یقرّبک الی الله رب العالمین

قل یا ملاً البیان خافوا الله و لا تقولوا ما لا قاله الاولون ارحموا علی انفسکم و انفس العباد تالله قد ظهر من کان مکنون فی ازل الازال و انزل ما کان مخزوناً فی علم الله العلیم الحکیم قد ظهرت رایات البرهان و خضعت لها آیات الامکان یشهد بذلک من ینطق انه لا اله الا انا المظلوم الغریب خذ کأس العرفان باسم ربک الرحمن رغماً لاهل البیان الذین نقضوا میثاق الله و عهده و قاموا علی الاعراض بظلم مبین قد کنت مذکوراً لدی الوجه نسئل الله ان یؤدک علی حفظ هذا المقام العزیز الرّیعی کبر من قبلی علی وجوه الذین نسبهم الله الیک و بشرهم بذکری ایّاهم فی سجنی الاعظم و ذکرهم بما نزل من ملکوت بیانی البدیع البهّاء المشرق من افق سماء فضلی علیک و علی الذین شربوا ریحی الاستقامة من هذه الکأس الّتی خضعت لها البحار و تمسکوا بهذا الحبل الّذی تمسک به المقرّبون الحمد لله ربّ ما کان و ما یكون انتهى

اینبعد بلکه اشیا کل متحریر و مبهوت چه که مشاهده میشود اسبابیکه یوم قبل فسادش ظاهر حال مجدد بهمان اسباب متمسک و متشبّثند یا لیت القوم یعلمون مجمعی در منشاء بمثابة مجمع امّ القری مجتمع باعترافات آنمجمع بل اعظم و اکبر قیام نموده اند نوشتهئی باسم چهار نفس نوشته و بخاتمه مختوم نموده ارسال داشته اند سبحان الله آیا آن نفوس لوح رئیس را ندیده اند و یا الواح ملوک رانخوانده اند و یا کتاب اقدس را نشنیده اند امورات بعد کل از قبل از قلم اعلی بکمال تصریح نازل بعد از ورود مکتوب اینبعد مدّتی متحریر از یکجهت مشاهده شد این مکتوب قابل عرض نیست و از جهت دیگر ملاحظه شد شاید در ستر آن تقصیر واقع شود لذا متوکلاً علی الله توجّه بساحت امنع اقدس نموده و بعد از اذن تمام آن عرض شد جواب از سماء مشیّت الهی نازل امید هست آنجناب بملاحظه آن فائز شوند صد هزار افسوس که این حزب هم ادراک نمودند آنچه را که لایق و سزاوار یوم الله است و اینکه ذکر منتسبین را فرموده بودند هر یک در ساحت امنع اقدس مذکور و بفیوضات فیاض حقیقی فائز بعد از عرض اینفقره اینکلمات عالیات از ملکوت بیان رحمن نازل قوله تعالی

بسمی المشفق الکریم

يا أَيُّهَا النَّاطِرُ إِلَى الْأَفْقِ الْأَعْلَى أَنَا سَمِعْنَا ذِكْرَكَ وَثَنَّاكَ وَرَأَيْنَا أَقْبَالَكَ وَتَوَجَّهَكَ إِلَى اللَّهِ مُوَلِّى الْأَنَامِ طُوبَى لِأَذْنٍ فَازَتْ بِاصْغَاءِ النَّدَاءِ وَلَعِينِ رَأَتْ الْأَفْقَ الْأَعْلَى وَ لِيدِ اخْتِذَتْ مَا نَزَلَ مِنْ سَمَاءٍ عِنَايَةَ رَبِّكَ مَالِكِ الرَّقَابِ قَدْ شَهِدَتْ كَتَبَ اللَّهُ لِهَذَا الْكِتَابِ الَّذِي نَطَقَ إِمَامُ وَجْهِ الْعَالَمِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ نَبَذُوا كِتَابَ اللَّهِ عَنْ وِرَائِهِمْ مَتَمَسِّكِينَ بِالظُّنُونِ وَالْأَوْهَامِ قُلْ تَاللَّهِ قَدْ انْجَذِبَتْ أَفْتِدَةُ الْمَخْلُصِينَ مِنَ الْآيَاتِ الْمُنزَلَةِ مِنْ سَمَاءِ الْفَضْلِ اتَّقُوا اللَّهَ يَا مَلَأَ الْبَيَانَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذْ أَتَى الرَّحْمَنُ بِقُدْرَةٍ وَسُلْطَانٍ قَدْ ظَهَرَ كُلِّ مَا سَمِعْتُمُوهُ مِنْ أَفْقٍ ارَادَتِي وَ اشْرُقَ نَيْرَ الْبِرْهَانِ مِنْ هَذَا الْمَقَامِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ مَطَافَ الْمَلَأَ الْأَعْلَى وَالَّذِينَ طَافُوا الْعَرْشَ فِي الْعَشِيِّ وَالْأَشْرَاقِ قُلْ أَيَّاكُمْ أَنْ تَمْنَعَكُمْ شِبْهَاتِ الْقَوْمِ عَنِ الْحَقِّ أَوْ تَحْجِبَكُمْ إِشَارَاتِ الَّذِينَ غَفَلُوا عَنِ الْأَمْرِ بِمَا اتَّبَعُوا كُلِّ مُشْرِكٍ مَرْتَابٍ كَمْ مِنْ عَالَمٍ مَنَعَ عَنِ كَوْنِ الْحَيَوَانَ وَ كَمْ مِنْ جَاهِلٍ سَمِعَ وَ سَرَعَ وَ قَالَ لَكَ الْحَمْدُ يَا مَنْزِلَ الْآيَاتِ كَمْ مِنْ عَبْدٍ اعْرَضَ عَنِ الْوَجْهِ وَ كَمْ مِنْ أُمَّةٍ سَمِعَتْ وَ اجَابَتْ رَبَّهَا الْمَهِيمِينَ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِينَ وَ السَّمَوَاتِ أَنَّ الْفَضْلَ فِي يَمِينِهِ وَ الْعَدْلَ فِي قَبْضَتِهِ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ يَحْكُمُ مَا يَرِيدُ وَ هُوَ الْأَمْرُ الَّذِي بِأَمْرِهِ اشْرُقَ نَيْرَ الْقُوَّةِ مِنْ أَفْقِ الْاِقْتِدَارِ كَذَلِكَ جَرَى مِنْ قَلَمِ الرَّحْمَنِ مَاءَ الْحَيَوَانَ طُوبَى لِمَنْ اخَذَ وَ شَرِبَ وَ وَيْلٌ لِكُلِّ مُلْحِدٍ مَكَّارٍ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَ مِيثَاقَهُ وَ كَفَرُوا بِالَّذِي آمَنُوا بِهِ إِلَّا أَنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ الضَّلَالِ

قد حضر لدى المظلوم الاسماء الذين نسبهم الله اليك و انزلنا لكل واحد منهم ما يجد منه المقرّبون عرف عناية ربك مالك الابدان ذكرهم من قبلي و بشرهم بما نزل لهم ما لا يفنى بدوام اسمائى الحسنى يشهد بذلك من عنده علم الكتاب انا نوصيهم بالاستقامة الكبرى و بما ينبغى لايام ربهم مالك المآب البهآء عليك و عليهم و على الذين كسروا اصنام الالهة بقدره من لدى الله مظهر البيئات انتهى

له الحمد و المنة و له الفضل و العناية فضله اظهر من الشمس فى وسط السماء فضلش ظاهر و عنايتش باهر بشأنيكه احتياج بعرض اينفانى نبوده و نيست ايكاش عباد غافل يبصر انصاف و اذن عدل در آنچه نازل شده و ظاهر گشته مشاهده مينمودند و تفكر ميکردند اينست مقام تفكرىكه فرموده اند يك ساعت آن بهتر از عبادت هفتاد سنه است انشاء الله آنجناب بهمت تمام بر امر مالك انام قيام نمايند كه شايد مثل قبل بمرض كورى و كرى مبتلا نشوند و از بئر اوهام و ظنون محفوظ مانند بيش از اين زحمت نميدهم و خدمت هر يك از منتسبين ذكر تكبير و سلام موقوف بانجنابست التكبير و السلام و البهآء على جنابكم و على الذين ما منعتمهم شبهات القوم عن الله رب العالمين و الحمد له اذ هو مقصود العارفين